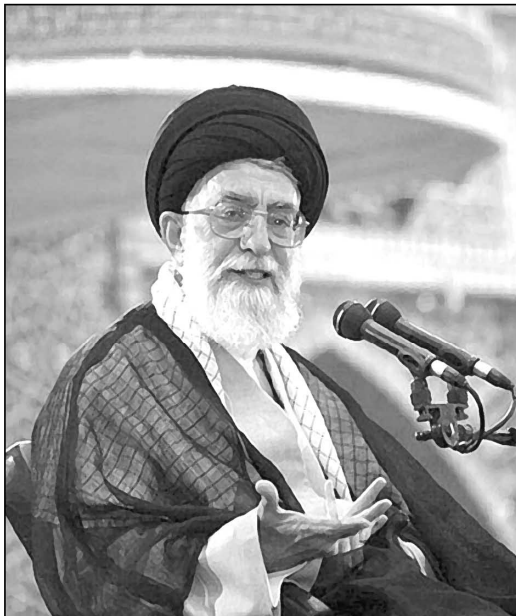


توصیه‌های پدران



رسالت ما در معرفی چهره حقیقی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

ما در طول زمان، هرچه درباره ائمه علیهم السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها صحبت کردیم، به ابعاد سازنده شخصیت ایشان، که بتواند دنیای امروز را اداره کند، کمتر توجه کردیم. ما خودمان به این معنا اعتراف داریم و قبول می‌کنیم.

بنده به عنوان یک گوینده و یک روحانی سال‌ها از فاطمه زهرا سلام الله علیها حرف زده‌ام و همه ما به فضایل معنوی فاطمه زهرا سلام الله علیها و به خصلت‌های انسانی فاطمه زهرا سلام الله علیها توجه کردیم، اما به این نکته که باید یک الگوی زنده و مجسم و روشن از زن مسلمان امروز در اختیار بینندگان دنیا بگذاریم، خیلی توجه نکردیم. امروز باید این کار را بکنیم و این خلا را جبران نماییم.

حضرت زهرا! الگوی زنان در صحنه مبارزات اجتماعی

فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد از رحلت پیغمبر برای خلافت علی بن ابی‌طالب علیه السلام به یک مبارزه مستمر شبانه‌روزی دست زد و کسی نمی‌تواند منکر آن بشود. خود فاطمه زهرا سلام الله علیها محور مبارزه بود و لذا زن در صحنه مبارزات اجتماعی می‌تواند چنین حضور فعالی داشته باشد و باید داشته باشد. نمی‌شود بگوییم او فاطمه زهرا سلام الله علیها بود، به زن‌های ما چه؟ بلکه چون فاطمه زهرا سلام الله علیها بود، زن‌های ما باید از آن الگو، پیروی و اتباع کنند. اگر دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله نبود، اگر معصوم نبود، اگر مورد عشق و محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله نبود، اگر کارش و عملش به وسیله معصوم علیه السلام تقریر نشده بود، که خود او هم معصوم است، ما نمی‌گفتیم باید پیروی کنند.

ابعاد خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها

این زن با همه ظرفیت و با آن مقام شامخ، پشت سر امیرالمومنین علیه‌السلام مثل کوه ایستاد و تا زنده بود در همه مراحل زندگی با تمام وجود از امیرالمومنین علیه‌السلام و از مقام ولایت دفاع کرد. علامه مجلسی می‌گوید: بزرگان فصحا و بلغا از علو کلمات و مضامین ظاهر و باطن کلمات خطبه‌ای که حضرت زهرا سلام الله علیها و آله در مسجد مدینه ایراد کرد، انگشت تعجب به دندان گزیدند. این بیان علامه مجلسی‌ست، یعنی کسی که آن همه روایت از ائمه علیهم السلام را گرفته و در اختیار ما گذاشته، در مقابل این خطبه خودش را می‌بازد. این خطبه عجیب را که همانند زیباترین و بلندترین خطبه‌های نهج البلاغه است، فاطمه زهرا سلام الله علیها با آن حال غم و اندوه به مسجد رفت و ارتجالاً و بدون این که قبلاً آن را تنظیم کرده باشد، بر زبان جاری کرده است. آن بیان حکیمانه و آن ارتباط با غیب و آن ظرفیت والا و بالا و آن نورانیت قلب و بیان را همه و همه یک‌سره در راه خدا خرج کرده است.

در پی نهالیت

● سلسله مباحث علامه مصباح یزدی (دام ظلّه العالی)

پرسش: رابطه بنده و مولی مربوط به دوره‌های پیش‌تر تاریخ است ولی امروز و در عصر مدرنیته، انسان دیگر به دنبال تکلیف نیست بلکه طالب حقوق خود است؛ بنابراین چرا هنوز از تکلیف دینی و لزوم اطاعت از ولی امر سخن می‌گویید؟

پاسخ: می‌گویند زندگی اجتماعی بشر، در طول تاریخ، مراحل گوناگونی را پشت سر نهاده است. در دورانی از تاریخ بشر، مساله برده‌داری مطرح بود و حفظ تمدن و پیشرفت می‌طلبید که انسان‌های ضعیف‌تر برده دیگران باشند و توسط آنان به بیگاری کشانده شوند.

طبیعی است که متناسب با آن عهد، رابطه انسان و خدا در قالب رابطه عبد و مولی ترسیم می‌شد؛ اما اکنون که نظام برده‌داری ورافتاده است، نباید مقیاس‌های آن دوران را در نظر گرفت.

امروزه بشر، سرسپردگی را نمی‌پذیرد و احساس آقایی می‌کند نه بندگی؛ پس نباید بگوییم که ما بنده‌ایم و خدا مولی. امروزه ما باید خود را جانشین و خلیفه الله بدانیم، کسی که جانشین خداست احساس بندگی ندارد.

دستورات، الزامات و تکالیف قرآن هم مربوط به عصر برده‌داری است؛ چون وقتی پیامبر به رسالت مبعوث شد، نظام بردگی حاکم بود.

پاسخ شبهه فوق را از زاویه رویکرد تکوینی و تشریعی ارائه می‌دهیم، چه این که ما مواجه با دو مقام هستیم: مقام تکوین و مقام تشریع. به عبارت دیگر، مقام هست‌ها و واقعیت‌ها و دیگری مقام باید‌ها و تکالیف‌ها. از نظر تکوین باید دید که ما چه نسبتی با خدا داریم. اگر پذیرفتیم که خدایی هست و آفریننده ماست قبول کردیم که او خالق ما

احساس بندگی و آقایی و تکالیف

و ما مخلوق اویم، هم در اصل به وجود آمدن و هم در ادامه زندگی و هم در تمام ریز و درشت رفتار خود وابسته به فیض خداییم، حال که خدا خالق ماست و ما بی او و لطف او هیچ از خود نداریم او مالک و خدای ما و ما مملوک و عبد او هستیم، لازمه اعتقاد به خدا این است که ما خود را مخلوق، عبد و مملوک و عبد او بدانیم از این روست که همه مسلمانان در اصلی‌ترین و برجسته‌ترین عبادت خود یعنی، نماز می‌گویند: اشهد ان محمداً عبده و رسوله. اساساً شایسته‌ترین و افتخارآمیزترین مقام و برترین شخصیت انسانی، عبد خداوند بودن است.

خداوند نیز در قرآن، مکرر واژه زیبایی «عبد» و مشتقات آن را به کار برده است و کمال عبادت را عالی‌ترین مقام و کمال انسان می‌شمرد، که انسان پس از طی مراحل تکامل به آن نائل می‌آید.

در رویکرد تشریعی، این سخن که آزاد بودن انسان با زیر بار قانون رفتن و پذیرش مسؤولیت سازگار نیست و آدمی حتی می‌تواند به قانونی که به آن رای داده عمل نکند، نتیجه‌ای جز توحش و بربریت به همراه ندارد. کسی که طرفدار تمدن و مدنیت است، نیک می‌داند که اولین رکن مدنیت پذیرش مسؤولیت و تعهد در قبال قوانین است و با بی‌قیدی، عدم پذیرش محدودیت و مسؤولیت نه تنها نمی‌توان داعیه تمدن نوین و مدرنیسم داشت، بلکه باید خود را فرو غلطیده در پست‌ترین شکل توحش یافت. طبعاً در جامعه اسلامی و معتقد به خدا نیز مجموعه قوانین اسلامی مبنای نظام و رکن مدنیت جامعه دینی به حساب می‌آید و شهروندان این جامعه خود را در برابر قوانین دینی مسؤول و متعهد می‌دانند.